

اندکی آرامش

روایت شخصی از عدم خشونت

مایکل ناگلر
ترجمه: شقایق عطار

● فردی را در نظر بگیرید که در خیابان در حال قدم‌زدن است؛ ظاهرا یک انسان خیلی معمولی است اما آیا می‌دانستید او یک قدرت خارق‌العاده دارد؟ در واقع شما هم چنین قدرتی را در خود دارید و احتمالا قبلا از آن استفاده کرده‌اید بدون اینکه از وجود آن آگاه بوده باشید.

آیا تا به حال...

- پیش آمده است که در مقابل روی‌دادن خطایی اعتراض کنید؟

- مانع ادامه یک درگیری شده‌اید؟

- از فعالیت‌های غیرمالي که فقط جنبه اخلاقی و معنوی دارد، حمایت کرده‌اید؟

- به کسی که کاملا با او اختلاف نظر داشته‌اید،

عمیقا گوش فراداده‌اید؟

اگر چنین فعالیت‌هایی را تاکنون انجام داده‌اید، پس از آن قدرت خارق‌العاده نیز استفاده کرده‌اید؛ به عبارت دیگر، شما از «نبود خشونت» بهره برده‌اید: همان هنر باستانی «آهیمسا» (Ahimsa) که گاندی آن را به شکلی علمی توسعه داد و به دنیای مدرن پیشکش کرد. نبود خشونت به معنای منفعل‌بودن، ضعیف‌بودن و سکوت‌کردن نیست؛ پس چیست؟ در حقیقت نوعی قدرت است، نوعی سبک خارق‌العاده زندگی است، ابزاری برای ایجاد تغییرات سازنده و پایدار است؛ نبود خشونت، در واقع مهرورزی به‌شکل عملی است؛ نوعی قدرت معنوی است که در همه انسان‌ها وجود دارد و هنگامی نمود بیرونی پیدا می‌کند که شما ترس و خشم را به نیروی مثبت برای ایجاد تغییر تبدیل کنید. در حقیقت نبود خشونت، قدرتی سازنده است که بسیار توانمندتر از بی‌عدالتی موجود در روزگار ماست. هنگامی که چنین دیدگاهی همه چیز اعم از اعمال، کلام و افکار ما را تحت تأثیر قرار دهد، باعث ایجاد تغییر در خودمان، جامعه و دنیا خواهد شد. در چنین دیدگاهی به‌جای آنکه مردم و طبیعت را اجزا و منابعی مجزا و گسسته در نظر بگیریم، باید بدانیم ما به همه چیز- از خانواده تا جامعه، از کره زمین تا مخلوقات ساکن آن - وابسته و عجین هستیم. در حالی که مردم به‌دنبال به‌دست‌آوردن آزادی، احقاق حقوق و مقام والای انسانی هستند، نبود خشونت چندین ابزار آزموده‌شده را برای اصلاح نادرستی‌ها و درهم‌شکستن دور باطل خشونت ارائه می‌کند. این ابزارها در برابر خشونت مؤثر هستند و از طریق امکانات نامحدود آنها، مردم در سراسر دنیا به‌دنبال یافتن روش‌های مختلفی برای ازبین‌بردن بی‌عدالتی بدون استفاده از مشّت و لگد و پرتاب بمب و هرگونه خشونت‌نا هستند. کنشگر و متخصص این امر، باربارا دمبگ، می‌گوید:

نبود خشونت دو‌بازو دارد؛ یعنی ما می‌توانیم با متوقف‌کردن اعمال خشونت‌آمیز به طور هم‌زمان به دیگران نیز نزدیک شویم. در اعمال عاری از خشونت، شما با بی‌عدالتی مبارزه می‌کنید نه با خود افراد. نبود خشونت به ما یادآوری می‌کند «ابزار درست، راهی برای رسیدن به اهداف درست است». این شیوه در واقع راهکاری را پیشنهاد می‌دهد که از طریق آنها بین جوامع آشتی برقرار می‌شود و صلحی پایدار که ریشه در عدالت برای همگان دارد، به‌دست می‌آید و هنگامی که از دایره خشونت خارج شده و وارد روایتی نو از بشریت می‌شویم، در حقیقت ما و نبود خشونت در این مسیر به یکدیگر می‌پیوندیم.

تجربه دیگران

شکل جدید گردشگری عربستان

● ایسنا؛ طبق بیانیه‌ای که وزارت امور خارجه عربستان روز گذشته منتشر کرد، ۲۴ هزار گردشگر خارجی در ۱۰ روز اول اجرای ویزای توریستی عربستان به این کشور سفر کرده‌اند. به گزارش ایسنا و به نقل از عرب‌نیوز، سفر این گردشگران خارجی به عربستان به دنبال صدور ویزای توریستی توسط عربستان برای اتباع ۴۹ کشور صورت گرفته است. وزارت امور خارجه عربستان همچنین سهم گردشگران هر کشور در سفرهای ۱۰ روز نخست اجرای ویزای توریستی را اعلام کرد؛ طبق این آمار، شهروندان چینی در رتبه اول و شهروندان بریتانیا و ایالات متحده در رتبه دوم و سوم فهرست بیشترین تعداد گردشگرانی قرار گرفته‌اند که از ویزای توریستی برای سفر به عربستان استفاده کرده‌اند. گردشگران فرانسوی، آلمانی، کانادایی، مالزیایی، روسیه‌ای، استرالیایی و قزاقستانی نیز در رتبه‌های بعدی این فهرست به چشم می‌خورند. عربستان سعودی اوایل ماه جاری از صدور ویزای توریستی برای اتباع ۴۹ کشور و کاهش محدودیت‌های پوششی برای گردشگران زن خبر داده بود. کمیسیون گردشگری و میراث ملی عربستان نیز اخیرا اعلام کرد: گردشگران خارجی زن و مردی که با یکدیگر نسبتی ندارند، از این پس می‌توانند در هتل‌های عربستان اتاق مشترک رزرو کنند. بر اساس این قوانین جدید، زنان خارجی و حتی شهروندان زن عربستانی می‌توانند به تنهایی اتاق‌های هتل‌های عربستان را رزرو کنند. این سیستم جدید ویزا به مسلمانان نیز این امکان را می‌دهد تا در فواصل زمانی خارج از فصل حج، راحت‌تر برای سفر عمره اقدام کنند. عربستان قصد دارد با ارائه ویزای توریستی، یک میلیون شغل در سراسر کشور ایجاد کند و تا سال ۲۰۳۰ میلادی صد میلیون گردشگر خارجی را به این کشور بکشد.

شترق روزنامه

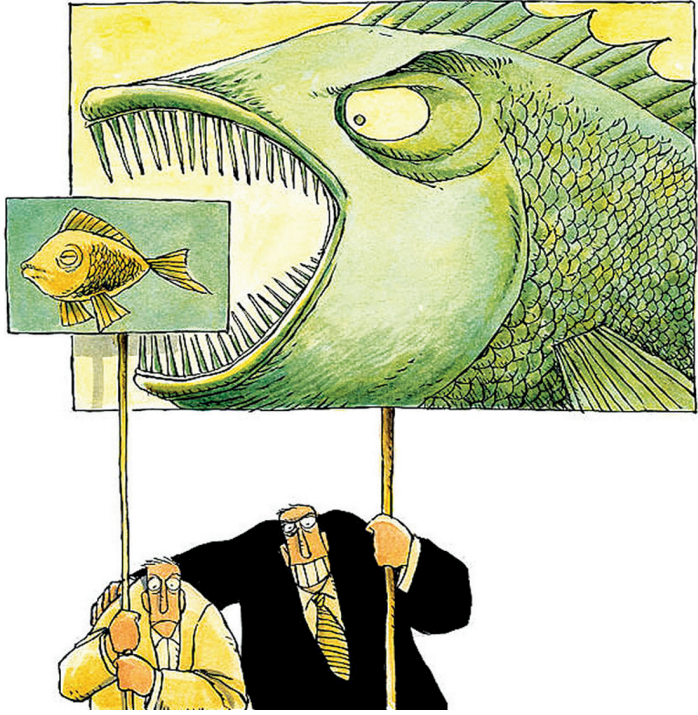
www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۸ ۱۰ صفر ۱۴۴۱ ۱۹ اکتبر ۲۰۱۹ سال هفدهم • شماره ۳۵۴۵ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۵۶ • اذان صبح فردا ۴:۴۳ • طلوع آفتاب ۶:۰۶

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

میخائیل کوتتوریس



کودک

کودکانی بی آرزو

فرماندار تهران در خردادماه اعلام کرد که از میزان متکدیان ۶۰ درصد کاسته شده است و صد درصد کودکان کار، متکدی‌اند. شاید این سخن بار مسئولیت را از دوش بسیاری از مردمی که شبانه‌رو با کودکان فال‌فروش، زباله‌گرد، دعافروش، شیشه‌پاک‌کن روبه‌رو هستند کم کند، اما آیا از واقعیت‌های جامعه می‌کاهد؟ هنوز یکی از آمارهایی که در زمینه فعالیت‌های کودکان کار مورد استناد است، پژوهشی است که حدود دو سال پیش جمعیت امداد مردمی- دانشجویی امام علی(ع)، در ۱۵ استان کشور با عنوان «سکونت‌گاه‌های فقیرنشین با تأکید بر کودکان کار ایران» انجام داده است که برخی نتایج آن قابل تأمل‌اند: از جمله اینکه کودکان کار در چه کارهایی مشغول‌اند و از نظر تحصیلی چه وضعیتی دارند؟ ۴۰ درصد آنان دست‌فروش‌اند، ۱۶ درصد کارگری، ۹ درصد فال‌فروشی و هشت درصد زباله‌گردی می‌کنند. ۷۵ درصد از کودکان کار در گروه سنی ۱۰ تا ۱۶ قرار دارند. میانگین

از کاری تا کشتی

سی‌ان‌ان در گزارشی مجموعه‌ای از بهترین عکس‌های مقاصد سفر امسال را منتشر کرده است؛ از چین تا داووس. چینگ‌دانو مکانی است که در چین که عکسی از دوچرخه‌سواران در این مسیر رنگارنگ، زیبایی آن را بیشتر کرده است.



ویرانه‌های آتی، در شمال شرقی ترکیه، بازمانده کلان‌شهر باستانی در قرن یازدهم میلادی که حدود صد هزار نفر در این شهر محصور زندگی

عمادالدین باقی

یادداشت «تلو صدای دگردیسی» که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، بازخوردهایی داشت که خود نیازمند بررسی و تحلیل محتواست. گاهی به‌عنوان نویسنده متن، از نظر کاربران خود بیشتر بهره می‌گیرم. حتی ناسازها نیز بیناگر چهره‌هایی از واقعیت اجتماعی‌اند که در شبکه‌های اجتماعی مجال بروز و ظهور یافته‌اند. البته فضای توییتر، اینستاگرام و تلگرام تفاوت‌های بسیاری از نظر تیپولوژی مخاطب و کاربر دارند و اکنون در مقام سنجش آنها نیستم؛ اما اجمالا می‌توان گفت به دلایل ویژه‌ای فضای توییتر را دیکال‌تر است و گاهی بدزبان‌ها دست برتر را پیدا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که فرهیختگان یا کمتر حضور می‌یابند یا جیواب بدزبان‌ها را با سکوت می‌دهند. وقتی یک پاراگراف از یادداشت توییت شد، این اشکال را داشت که کسانی که متن کامل مقاله را نخوانده و فقط یک جمله آن را در توییت دیده‌اند، نکات اصلی را رها کرده و به یک جمله «چپ‌روی و راست‌روی افراطی» چسبیده و می‌تازند و سخن اصلی مقاله را لوث می‌کنند. یکی می‌گوید حکومت کدام چپ‌روی را داشته و سیاست‌های آن همگی راست‌روانه بوده و دیگری می‌گوید حکومت شاه کدام راست‌روی را داشته و اصلا شاه خود را سوسیالیست می‌دانست. حتی بحث چپ‌کشی و راست‌کشی را به میان آوردند؛ درحالی‌که آن یادداشت هیچ ربطی به این موضوع نداشت. این نوع برخورد‌ها در مقالات آسیب‌شناسانه، خود یک آسیب است؛ زیرا اذهان را از توجه به مسئله دور می‌کند؛ به‌ویژه که بحث در این زمینه‌ها نیازمند بازنگری در تاریخ صد سال اخیر ایران است. اینکه نشان داده شود انقلابی‌گری در ایران نیمه دوم قرن بیستم چگونه از چپ

تحلیل

به کجا می‌رود این جعبه جادوی لجوج!؟

قادر باستانی
پژوهشگر

● چند وقتی است، زمزمه تغییر در سکان‌دار رسانه ملی شنیده می‌شود که اکنون به همه‌همه تبدیل شده و باز فروکش کرده است. از وقتی رئیس شبکه سه تلویزیون عوض شد، مدام اخباری از عوارض مدیریت جناحی می‌شنویم. کنارگذاشتن عادل فردوسی‌پور، برنامه‌ساز موفق و مردمی سیما، ساخت و پخش سریال‌هایی که بر دلسوزان نظام، انگ خیانت می‌زند، برگزاری میزگردهای به‌ظاهر تخصصی و بازاریوسازی‌های ناشیانه و تلاش برای جریان‌سازی‌های خبری با منافع جناحی و در نهایت، عملکرد غیرحرفه‌ای و ناصواب، داد اغلب صاحب‌نظران و دلوایسان کشور را درآورده است. کشور از سال ۹۵ هر روز وضع اقتصاد و معیشت و فرهنگ، با مشکل روزافزون مواجه بوده و مخصوصا اوضاع ضعیف جامعه را که پشتیبان‌های اصلی نظام سیاسی هستند، در فشار و تگدستی گذاشته است. زخم تحریم‌های ظالمانه آمریکا، التیام نیافته و در این حال، پخش برخی برنامه‌های سیخف در رسانه ملی، نمک بر این زخم می‌باشد. حرف مصلحان و دلسوزان به جایی نمی‌رسد و جای خالی سیاست‌پژگانی مثل هاشمی که میان‌داری کنند، به‌خوبی دیده و احساس می‌شود. در چنین شرایطی، رسانه ملی می‌توانست التیام‌بخش باشد و نقش درستی در حفظ مردم ایفا کند و افکار عمومی را در سمت و سوی حمایت از نظام حفظ کند، اما دقیقا عکس آن عمل می‌کند و هر روز دریغ از روز قبل، با لجاجت بر طبل اختلاف می‌کوبد. حال که چنین فضایی بعد از تغییر در رئیس شبکه سه ایجاد شده، شایعه نصب شخصی هم‌خط و هم‌رای او در پست ریاست سازمان صداوسیما، بر نگرانی‌ها افزوده و از امید به اصلاح وضع کاسته است. شوریختانه دست‌اندرکاران امر چنین می‌پندارند که هرچه مخالفت و ضدیت با عملکرد شخصی بیشتر باشد، نشان اثرگذاری مطلوب است و باید از آن حمایت شود. آنها نمی‌دانند که خُسران اصلی نصیب خودشان خواهد شد؛ چنانکه تاکنون شده است. اگر نیک بنگرند، به‌راحتی درمی‌یابند که دست‌کم دو دهه رسانه ملی دستشان بوده و هرچه خواسته‌اند از آن استفاده کرده‌اند. اثرگذاری معکوس در غالب انتخابات داشته و قاطبه ملت را در موضع مخالف دیدگاه‌های جناحی‌شان کشانده‌اند. صداوسیما بگوید، این همه هزینه و سربال‌سازی و سناریونویسی، چه تأثیری در روند و روال پوشش حجاب زنان و دختران داشته است؟ نتایج انتخابات مجلس و دولت و شورا در این سنوات، چه نسبتی با تبلیغات سیاسی پرچم صداوسیما داشته است؟ بر سر محبوبیت کسانی که به‌نحوی منتسب به اثرگذاری بر صداوسیما هستند، سر افکار عمومی چرا آمده است؟ واقعا چه خیر و منفعت سیاسی‌ای، نصیب محافل

سلام به فردا

بازخوردهای تلو صدای دگردیسی

سخن اصلی را لوث می‌کنند

روسی الهام گرفت و میان چپ روسی و اروپایی و سلوک و تئوری‌هایش چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ اینکه جریان چپ مذهبی و مارکسیست از موج صادرها دفاع کرد و هنوز دفاع می‌کند و اشغال سفارت آمریکا، اول از سوی فداییان خلق و بعد به دست دانشجویان خط امام انجام شد که همگی هنوز از آن دفاع می‌کنند و اینکه غرب‌ستیزی هنوز ایران را رها نکرده و یک روزنامه رسمی نسخه اشغال سفارت آمریکا را برای عراقی‌های امروز می‌پیچد و... از طرفی، با وجود اینکه گفته شده بود محصول چپ‌روی افراطی، راست‌روی افراطی است و این سخن به فضای کلی ناشی از چپ‌روی اشاره کرده بود، نه اینکه تلتلو را مظهر آن بداند؛ اما برخی اعتراض و تعرض داشتند که چرا او را مصداق راست‌روی دانسته‌ام؛ درحالی‌که در واقع جامعه‌شناسان چپ تحلیلی مشابه دارند، چنان که دکتر اباذری، از استادان برجسته جامعه‌شناس و چپ‌گرا، درباره پاشایی‌که خیلی قابل تحمل‌تر از تتلو بود، آن را مبتذل‌ترین نوع موسیقی، ابتذال محض، احمقانه‌ترین، مسخره‌ترین و شعر مسخره‌تر و مانند خواننده کوچه‌بازاری زمان شاه خوانده و گفتند «سرانجام این موسیقی، فاشیسم است». یکی از کاربران گفته بود ماجرای تتلو نه‌تنها نشانه زلزله اجتماعی نیست، بلکه نیم‌ریشر هم نیست و چون شما درکی از او و امثال او ندارید، دچار توهم زلزله شده‌اید؛ اما به گمان من، مسئله فقط تتلو نیست و فراتر از او است. مروری بر صفحات معروف در شبکه‌های اجتماعی در دیگر کشورها و نقدهای جامعه‌شناسان به فوران خودشفتگی و آسیب‌نمایی‌های گوناگون در شبکه‌های اجتماعی، نشان می‌دهد این سخن یکی از کاربران که فدریکا موگرینی گفته است «جامعه بشری آشفته و دیوانه شده»، به واقعیت نزدیک‌تر است. به‌رحال وظیفه جامعه‌شناسان کاویدن رخدادها و چندوچون و ریشه‌های آنها و پیش‌بینی آینده بر پایه عناصر و رخدادهای اکنونی و هشدارهای پیشگیرانه است.

آکادمی

نوبل فیزیک ۲۰۱۹ در دستان اخترفیزیک‌دانان



حسن فتاحی

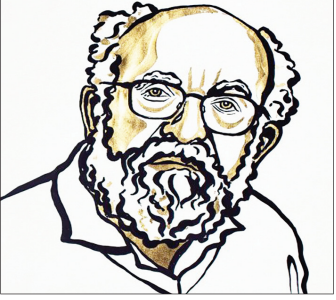
● دیروز، هشتم اکتبر سال ۲۰۱۹، آکادمی سلطنتی علوم سوئد برندگان جایزه نوبل فیزیک را اعلام کرد. جایزه امسال به سه اخترفیزیک‌دان رسید؛ یک نفر از آمریکا و دو نفر از اروپا. براساس آنچه کمیته نوبل اعلام کرده است نیمی از جایزه نوبل فیزیک به جیمز پیبلز آمریکایی تعلق گرفته و نیمی دیگر به‌تساوی به میشل مایر و دیدیه کولوز رسیده است. در سایت رسمی جایزه نوبل چنین آمده است: «جایزه نوبل فیزیک سال ۲۰۱۹ به سه دانشمندی تعلق می‌گیرد که هر یک سهمی در فهم ما از تحول عالم و جایگاه زمین در کیهان داشته‌اند. نیمی از این جایزه به جیمز پیبلز اختصاص دارد برای تحقیقاتش و کشف‌های نظری‌اش در زمینه کیهان‌شناسی فیزیکی؛ نیمی دیگر هم به میشل مایر و دیدیه کولوز که موفق به کشف سیاره فراخورشیدی شدند که به دور ستاره‌ای مانند خورشید در حال گردش است». نزدیک به ۱۴ میلیارد سال قبل عالم از انفجار بزرگ پدید آمد و امروز کیهان‌شناسان و اخترفیزیک‌دانان درصدد پاسخگویی به سؤالات بنیادی چگونگی سازوکار عالم و تحول آن هستند. ۲۰ سال قبل از اینکه جیمز پیبلز به دنیا بیاید، آلبرت اینشتین با ارائه نسبیت عام کام مهمی را در کیهان‌شناسی برداشت و پس از آن خاستگاه عالم محل مناقشه بود. در دهه ۶۰ میلادی درحالی‌که پیبلز جوان در دانشگاه پرینستون بود، کشفی بزرگ رخ داد و تابش زمینه کیهانی کشف شد. کشف این تابش برگ برنده نظریه مهبانگ بود و امروز پیبلز بعد از نیم‌قرن تلاش در درک و تفسیر سازوکار عالم مبتنی بر نظریه مهبانگ برنده جایزه نوبل فیزیک شد. او از کسانی است که در رهیافت‌های نظری کیهان‌شناسی مدرن نقشی بی‌بدیل دارد. به اکتبر سال ۱۹۹۵ برویم. میشل مایر و دیدیه کولوز اعلام کردند نخستین سیاره فراخورشیدی را در



جیمز پیبلز



دیدیه کولوز



میشل مایر

کهکشان راه شیری کشف کرده‌اند؛ سیاره‌ای گازی و بزرگ که قابل قیاس با بزرگ‌ترین سیاره منظومه شمسی خودمان، مشتری بود. این کشف که به‌راستی هم‌تراز اکتشافات بزرگ نجومی همچون تابش زمینه کیهانی بود با خود انقلابی بزرگ را در نجوم به همراه داشت به‌طوری‌که تاکنون بیش از چهار هزار سیاره فراخورشیدی دیگر کشف شده و امروزه نجوم سیارات فراخورشیدی یکی از پیشروترین شاخه‌های نجوم نوین است. دستاوردهای نظری پیبلز دانشمندان را به شناخت ماده تاریک و انرژی تاریک سوق داده و دستاوردهای مایر و کولوز راهی را گشوده که بشر در پی یافتن سیارات فراخورشیدی هرچه بیشتر و کشف حیات در دیگر سامانه‌های فرامنظومه شمسی است. جیمز پیبلز متولد سال ۱۹۴۵ در کاناداست و به سال ۱۹۶۲ دکتری خود را از دانشگاه معروف کشورش، ژنو، دریافت کرده و در حال حاضر هم در همان دانشگاه صاحب کرسی استادتمای است. - دیدیه کولوز متولد ۱۹۶۶ جوان‌ترین برنده جایزه نوبل فیزیک امسال است و دکتری خود را به سال ۱۹۹۵ از دانشگاه ژنو‌گرفته است. او هم‌اکنون استادتمام دانشگاه ژنو و دانشگاه کمبریج انگلستان است.